

راز گل زرین

کتاب زندگی به روایت چینیان

با گفتاری از کارل گوستاو یونگ

ترجمه و توضیح: ریچارد ویلهلم

سیمین موحد

راز گل زرین



ریچارد ویلهلم

سیمین موحد

چاپ اول، بهار ۱۳۸۴

۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی: ورجاوند

طرح جلد: مژگان پارسامقام

لیتوگرافی: تارنگ

چاپ: گلشن

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۷۶۵۶-۹۳-۹

ISBN 964-7656-93-9

تهران، صندوق پستی ۱۴۱۹۵-۱۹۸

تلفکس: ۴۴۲۱۸۵۸۰

Varjavand_nashr@yahoo.com

فروش اینترنتی در iketab.com

نشر ورجاوند

لو، دونگبین: ۷۹۸. م Dongbin, Lu. ۱. راز گل زرین: کتاب زندگی به روایت چینیان

[دونگبین لو]: ترجمه و توضیح ریچارد ویلهلم؛ با گفتاری از کارل گوستاو یونگ؛

سیمین موحد - تهران: ورجاوند، ۱۳۸۳.

۱۸۸ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی:

The secret of the golden flower:

A chinese book of life, [1975].

۱. ناشر: ۲. چین - دین. الف. ویلهلم،

ریشارد، ۱۸۷۳-۱۹۳۰ م،

Wilhelm, Richard. ب. یونگ، کارل

گوستاو، ۱۸۷۵-۱۹۶۱ م،

Jung, Carl Gustav. ج. موحد، سیمین،

۱۳۳۷ - مترجم. د. عنوان. ه. عنوان: کتاب

زندگی به روایت چینیان.

۲۹۹/۵۱۴ BL۱۹۰۰/۷۹۴ ر

کتابخانه ملی ایران ۸۳.۳۴۹۹۴ م

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم انگلیسی.....	۷
یادداشت مترجم [انگلیسی] بر نسخه جدید و تجدیدنظر شده	۱۲
مقدمه بر چاپ دوم نسخه آلمانی.....	۱۵
مقدمه بر چاپ پنجم نسخه آلمانی	۱۸

بحثی پیرامون این متن توسط ریچارد ویلهلم

منشاء و محتوای تای آی چین هوا تسونگ چی.....	۲۲
۱- منشاء کتاب	۲۲
۲- پیش فرض های روانشناسانه و کیهان شناسانه متن	۳۱

ترجمه تای آی چین هوا تسونگ چی

۱- آگاهی آسمانی (قلب).....	۴۲
۲- روح نخستین و روح هوشیار	۴۶
۳- گردش نور و محافظت از مرکز.....	۵۲
۴- گردش نور و تنظیم تنفس.....	۶۲
۵- اشتباهاتی که طی گردش نور رخ می دهد	۶۷
۶- تجارب تأییدی طی گردش نور.....	۷۱
۷- شیوه زندگی مبتنی بر گردش نور.....	۷۴
۸- ورد جادویی برای سفر دور دست.....	۷۶

هوئی مینگ چینگ

۱- توقف برون ریزی	۹۲
۲- شش دوره گردش هماهنگ با قانون	۹۵
۳- دو مسیر انرژی کارکرد و کنترل	۹۷

۹۸	۴- نطفهٔ تائو
۹۹	۵- ظهور میوه
۱۰۰	۶- دربارهٔ حفظ بدن تحول یافته
۱۰۰	۷- چهرهٔ رویه دیوار
۱۰۱	۸- نامتناهی خالی

گفتار کارل گوستاو یونگ

مقدمه

۱۰۴	۱- مشکلاتی که اروپائیان در فهم شرق با آن مواجهند
۱۰۹	۲- علم زیست‌شناسی معاصر امکان درک را فراهم می‌سازد
	مفاهیم بنیادی
۱۲۱	۱- تائو
۱۲۳	۲- حرکت گردشی و مرکز
	پدیدهٔ راه
۱۳۳	۱- تجزیهٔ آگاهی
۱۴۱	۲- آنیموس و آنیما
۱۴۸	فاصله‌گیری آگاهی از موضوع
۱۵۵	رضایت‌مندی
۱۶۳	نتیجه‌گیری
۱۶۵	ضمیمه: در گرامیداشت خاطرهٔ ریچارد ویلهلم

پیشگفتار مترجم انگلیسی

نسخه اصلی آلمانی «راز گل زرین»، که این نسخه ترجمه مجاز انگلیسی آن به شمار می‌رود، نخستین بار در پائیز ۱۹۲۹ منتشر شد. در تاریخ اول مارس ۱۹۳۰، ریچارد ویلهلم^۱ از دنیا رفت. در مه ۱۹۳۰، مراسم یادبودی در شهر مونیخ برگزار شد، و از یونگ درخواست شد تا سخنرانی اصلی را ایراد کند. درج این سخنرانی در نسخه انگلیسی کتاب که یک سال و اندی پس از مرگ نویسنده چاپ می‌شود، به جاست^۲. این سخنرانی نه فقط به دلیل آنچه که درباره ویلهلم به خوانندگان می‌گوید، بلکه به دلیل پرتو بیشتری که بر دیدگاه شرق می‌افکند، با استقبال مواجه خواهد شد. رابطه غرب با تفکر شرق فوق‌العاده متناقض و گیج‌کننده است. از یک سو، همان‌گونه که یونگ خاطر نشان می‌کند، شرق از در پشتی ناخودآگاه به جهان ما می‌خزد و به اشکال انحراف یافته‌ای به شدت بر ما اثر می‌گذارد؛ و از سوی دیگر، ما با تعصب تمام، آن را به عنوان ماوراءالطبیعه خوش‌بافتی که برای ذهن علمی زهرآگین است، رد می‌کنیم. اگر کسی شک دارد که شرق تا چه حد به طرق پنهان بر ما اثر می‌گذارد، بگذار فقط کمی در حوزه‌هایی که امروز تحت عنوان «علوم

1- Richard Wilhelm

۲- رجوع کنید به ضمیمه پابانی کتاب م.

خفیه» از آنها نام برده می شود، تفحص کند. میلیون ها نفر در این نهضت ها شرکت دارند و آراء شرق بر تمام آنها حاکم است. از آنجا که در هیچ کجا نشانه ای از درک روانشناسانه پدیده هایی که بر آن استوارند وجود ندارد، آنها دستخوش انحراف کامل شده و یک تهدید واقعی برای جهان ما به شمار می آیند.

درک ناقص آنچه که در این جهت جریان دارد، به همراه جهل ساده غربیان و بی اعتمادی آنها به جریان تجربه درون، به ازدیاد تعصب علیه واقعیت خیزد شرق می انجامد. زمانی که موضوع خیزد چینان در برابر فرد غربی مطرح می شود، به احتمال قوی وی با بالا بردن ابروان خویش به طرزی شکاکانه می پرسد، چرا این خیزد ژرف نتوانست چین را از آلام و مصائب کنونی خود نجات دهد. البته، او لحظه ای فکر نمی کند که فرد چینی نیز با شکاکیت یکسان می پرسد که چرا دانش علمی غرب که این چنین از آن لاف زده می شود - سوای اخلاقیات مسیحی که درباره آن نیز بسیار گزافه گویی می شود - غرب را از جنگ جهانی نجات نداد.

اما واقعیت این است که شرایط کنونی چین، خیزد و حکمت چینیان را بی اعتبار نمی کند، همان گونه که بروز جنگ جهانی بیهودگی علم را اثبات نکرد. در هر مورد، ما با وجوه منفی اصولی سروکار داریم که شرق و غرب تحت آن زندگی می کنند، و هنوز نه افراد و نه ملت ها از این فرصت برخوردار نشده اند که نواقص فضایل خود را رفع کنند. کسب استادی در جهان درون، با تحقیر نسبی جهان بیرون، به طور اجتناب ناپذیر به فجایع بزرگ می انجامد. غلبه بر جهان بیرون، با حذف جهان درون، ما را به دست نیروهای شیطانی جهان درون می سپارد و به رغم تمام اشکال بیرونی فرهنگ مان، در توخس نگاه مان می دارد. راه حل، نه در ریشخند معنویت شرق و ناتوان خواندن آن است نه در بی اعتمادی به علم و آن را ویرانگر بشریت دانستن. ما باید دریابیم که روح باید بر علم به عنوان راهنمای خود در جهان واقعیت تکیه کند، و علم برای کشف معنای زندگی باید به روح رو بیاورد.

این دیدگاهی است که در این کتاب مطرح شده است. به همت مشترک ویلهلم و یونگ، هم‌اکنون ما برای نخستین بار راه درک خِرَد شرق و قدردانی از آن به نحوی که تمام جوانب ذهن ما را ارضاء کند در اختیار داریم. خِرَد شرق از ماوراءالطبیعه بیرون کشیده شده و در جایگاه تجربه روانشناسانه قرار داده شده است. ما با ابزار کاملاً نوینی به آن نزدیک می‌شویم و از انحرافات که شرق در دستان فرهنگ‌فروشان غرب متحمل می‌شود، مصون می‌مانیم. در عین حال - به رغم دره عمیقی که ما را از شرق جدا می‌کند - وقتی می‌دانیم که به محض رهسپارشدن به سوی جهان درون دقیقاً مسیرهای مشابهی را دنبال می‌کنیم، معنای آن برای ما بسیار عمیق‌تر می‌شود.

این کتاب نه تنها نگرش جدیدی درباره شرق به ما می‌دهد، بلکه دیدگاهی را که در غرب در رابطه با روح و روان در حال شکل‌گیری است، تقویت می‌کند. تغییر شکل ارزش‌ها که امروزه در حال انجام است، انسان امروزی را از شیرخوارگاه سنت‌های جمعی بیرون رانده و به جهان بالغ انتخاب‌های فردی می‌کشانند. انسان امروزی می‌داند که انتخاب‌های او و سرنوشت او هم‌اکنون با فهم او از خویشتن دگرگون می‌شود. در سال‌های اخیر نکات بسیاری درباره عناصر تاکنون ناشناخته روان او به وی آموخته شده است، اما اغلب تأکیدها تنها بر وجه ایستاست، به طوری که او خود را چیزی جز انبانی از انواع محتویات نمی‌یابد، که طبیعت این امر، به جای ترغیب وی به غلبه بر مشکلاتی که پیش روی اوست، باری از احساس خستگی و فرسودگی را بر دوش او می‌گذارد. اما دقیقاً نیاز به فهم خویشتن از زاویه تغییر و تحول است که بیش از همه اندیشه انسان امروزی را به خود مشغول می‌کند. اینک که او شاهد محو جهان ماده در برابر دیدگان علمی خویش و ظهور دوباره جهان انرژی بوده است، به این پرسش جسورانه از خویشتن می‌رسد: آیا او در درون روان خویش گنجینه‌ای از نیروهای نامکشوف ندارد که اگر درست درک شوند، بینش نوینی از خویشتن به او می‌بخشند و امنیت آینده او را تضمین می‌کنند؟

در این کتاب این پرسش از جانب دو منبع بسیار متفاوت پاسخ گفته می‌شود: یوگای چینی و روانشناسی تحلیلی. راز گل زرین، عاری از شکل کهن و باستانی خود، عبارت است از راز قدرت‌های رشد نهفته در روان، و همین قدرت‌ها به همان صورتی که خود را در ذهن انسان غربی می‌نمایانند، موضوع گفتار یونگ را تشکیل می‌دهند. او در گفتار خود تحول روانشناسانه عمیقی را که از ایجاد رابطه صحیح با نیروهای درون روان حاصل می‌شود، نشان داده است.



در نسخه آلمانی کتاب ابتدا گفتار یونگ آمده، سپس تفسیر ویلهلم از متن، و پس از آن خود متن آورده شده است. این ترتیب بنا به درخواست یونگ تغییر یافته و گفتار وی در انتهای متن قرار داده شده است.

واژه‌های چینی نسخه حاضر به شکل انگلیسی درآورده شده‌اند. برای انجام تغییرات ضروری، من به آقای آرثور والی^۱ و نیز کلنل اف. سی. سی. اگرتون^۲ مدیونم. کلنل اگرتون لطف کرده و شخصاً ویرایش دست‌نوشته مرا نیز انجام داده‌اند.

برای کمک به یادآوری رابطه بین مفاهیم متنوع چینی نظیر هسینگ مینگ^۳، کوئی شن^۴، و غیره، من دو مطلب خلاصه را به صورت مکتوب و نموداری اضافه کرده‌ام.

من این بخت را داشتم تا این ترجمه را تحت نظارت دکتر یونگ انجام دهم و به خاطر این واقعیت و کمکی که بعداً از خانم یونگ دریافت کردم، هر موفقیتی را که در رویارویی با مشکلات موجود کسب کرده‌ام مرهون آنان هستم.

همچنین من از این امتیاز برخوردار بوده‌ام که خانم دکتر ارا

1- Arthur Waley

2- Colonel F. C. C. Egerton

3- hsing-ming

4- kuei-shen

روداکیویچ^۱ متن کامل دستنویس را خوانده و مورد نقد قرار داده‌اند، و
من اینجا از مساعدت ارزشمند ایشان عمیقاً قدردانی می‌کنم.

کری اف باینز^۲

زوریخ

مارس ۱۹۳۱

یادداشت مترجم [انگلیسی] بر نسخه جدید و تجدید نظر شده

سی سال از ظهور نخستین نسخه انگلیسی «راز گل زرین» می‌گذرد. دومین جنگ جهانی سپری شده و امکان وقوع جنگ جهانی سوم نیز می‌رود. بشر بدون وقفه یا مانع، انرژی خود را صرف جهان بیرون می‌کند. در گرماگرم ظهور این نسخه جدید، «قاره جان» در افق غروب می‌کند. آیا این قاره هنوز وجود دارد؟ نسخه جدید این کتاب یک پاسخ قاطع مثبت به این پرسش است. این کتاب به ما یادآوری می‌کند که بشر هرگز واقعاً چشم‌انداز خود از «قاره جان» را از دست نمی‌دهد و فتح «فضای درون»، یعنی فهم روح و روان، هدف غائی بشر باقی خواهد ماند. کارل گوستاو یونگ که تلاش وی تماماً در خدمت این هدف بود، در سال ۱۹۶۱ درگذشت. خوانندگان این نسخه جدید، چاپ آن را تلاشی جهت گرامی داشت خاطره او به عنوان یکی از نویسندگان کتاب خواهند یافت.

به چاپ پنجم نسخه آلمانی کتاب «راز گل زرین» چند صفحه از یک متن دیگر چینی پیرامون یوگا که ارتباط نزدیکی با گل طلایی داشت افزوده شده است. نام این متن هوئی مینگ چینگ^۱ یا کتاب آگاهی و زندگی است.

راز گل زرین

اکنون این متن جدید برای نخستین بار در نسخه انگلیسی ظاهر می‌شود، و همراه آن مقدمه کوتاهی به قلم سالومه ویلهلم^۱ آورده شده که حاوی گفتار کوتاه اما مهمی از شوهرش پیرامون هوئی مینگ چینگ است. مطلب جدید دیگری که برای نخستین بار در نسخه انگلیسی چاپ شده، مقدمه یونگ بر چاپ دوم نسخه آلمانی است.

مرور مجدد کتاب سبب تغییرات عمیق در اصطلاحات این نسخه شده است. بنا به توصیه هلموت ویلهلم^۲، واژه «مینگ» که «جوهر» ترجمه شده بود، تبدیل به «جوهر طبیعت انسان» شده است، یا به طور خلاصه «طبیعت انسان». مینگ که اغلب با مینگ به معنی زندگی آورده می‌شود، مانند این واژه دوم بیانگر یک اصل کیهانی است. البته برای خواننده غربی حیرت‌انگیز است که بتوان این گونه به طبیعت انسان اندیشید، اما این مفهوم برای فلسفه چین اساسی است. یک اصل جهانی دیگر به نام هوئی نیز در این نسخه جدید به دلیل وجود متن هوئی مینگ چینگ اهمیت یافته است. هوئی یا آگاهی، با مینگ یا طبیعت انسان ارتباط دارد، اما با آن یکی نیست. یک حلقه مشترک آنها این است که هر دو نقطه مخالف مینگ یا زندگی هستند، اما در تفکر چینی مفاهیم جداگانه محسوب می‌شوند.

تغییر مهم دیگر این ترجمه که آن نیز بنا به توصیه هلموت ویلهلم صورت گرفته، جایگزینی واژه «انرژی» برای «نیرو» است. به عنوان نمونه می‌توان «انرژی جاری به سمت عقب» را نام برد.

این ترجمه به دقت مورد بررسی و بازبینی قرار گرفته تا خطاهای احتمالی آن تصحیح شود. مساعدت هلموت ویلهلم در بازنگری آن بخش از کتاب که توسط پدرش نوشته شده، اصلاحات متعددی علاوه بر موارد مذکور را در پی داشت. همچنین من برای تعدادی از زیرنویس‌های جدید کتاب که به ابتکار وی اضافه شده‌اند، و نیز برای اظهارات مربوط به رابطه مینگ، مینگ، و هوئی مرهون او هستم.

دخترم سیمنا دِ آنگولو^۱ نیز در رابطه با مرور کل کتاب کمک شایانی به
من کرده است.

کری اف باینز
موریس / کانکتیکات^۲
۱۹۶۱

مقدمه یونگ بر چاپ دوم نسخه آلمانی

دوست فقیدم ریچارد ویلهلم، که این کتاب مشترکاً با او نوشته شده، زمانی متن «راز گل زرین» را برای من فرستاد که برای کار خود من حیاتی بود. آن موقع سال ۱۹۲۸ بود، و من از سال ۱۹۱۳ روی روندهای ناخودآگاه مشترک کار کرده بودم، و به نتایجی دست یافته بودم که به نظرم از بعضی جهات پرسش‌برانگیز بودند. آنها نه تنها از هر آنچه که برای روانشناسی «آکادمیک» شناخته شده بود فراتر می‌رفتند، بلکه مرزهای هرگونه روانشناسی پزشکی و صرفاً شخصی را نیز زیر پا می‌گذاشتند. این یافته‌ها پدیده‌شناسی وسیعی را در برابر من قرار دادند که هیچ یک از مقولات و شیوه‌هایی که تا آن زمان شناخته شده بود در مورد آنها کاربرد نداشت. ظاهراً نتیجه‌گیری‌های من که بر پایه یک تلاش پانزده ساله استوار بود جامع و جهان‌شمول نبود، زیرا هیچ امکانی برای مقایسه وجود نداشت. من هیچ حوزه‌ای از تجربه بشری را نمی‌شناختم که با آن بتوانم با قطعیت معینی یافته‌هایم را مورد پشتیبانی قرار دهم. تنها موارد قابل قیاسی که یافتم به‌طور پراکنده در گزارشات رافسیون دیده می‌شد و باید بگویم که اینها به لحاظ زمانی فاصله بسیار داشتند. اما این ارتباط به هیچ وجه کار مرا آسان نکرد، برعکس آن را دشوارتر نیز کرد، زیرا نظام‌های

گنوستیکی^۱ تنها بخش کوچکی از تجارب آنی روحی را شامل می‌شوند؛ بخش بزرگ‌تر عبارت است از بازنگری‌های نظری و نظام‌ساز. از آنجا که ما تنها چند متن کامل در اختیار داریم، و از آنجا که اکثر متون شناخته شده از گزارشات مخالفان مسیحی آنها نشأت می‌گیرد، حداقل می‌توان گفت که ما دانش نابسندۀ ای از تاریخ و نیز محتوای این ادبیات غریب و مغشوش داریم؛ ادبیاتی که درک آن چنین دشوار است. به علاوه، با توجه به این واقعیت که یک دوره زمانی هزار و هفتصد تا هزار و هشتصد ساله ما را از آن دوران جدا می‌سازد، کسب حمایت از آن ناحیه به نظر من فوق‌العاده خطرناک می‌آید. به علاوه بخش اعظم پل‌های ارتباطی ماهیتی فرعی داشتند و درست در اصلی‌ترین و مهم‌ترین نقاط، شکاف‌ها را باقی می‌گذاشتند، به طوری که استفاده از متون گنوستیان را غیرممکن یافتم.

متنی که ویلهلم برایم فرستاد مرا از این بن‌بست خارج ساخت. این متن دقیقاً حاوی همان موادی بود که من مدت‌ها بیهوده در متن گنوستیان به دنبال آن می‌گشتم. لذا متن ارسالی فرصت خوبی به من داد تا حداقل به شکلی اولیه برخی از نتایج اساسی تحقیقات خود را منتشر کنم.

در آن زمان برای من اهمیتی نداشت که راز گل زرین نه تنها یک متن تائوئیستی در رابطه به یوگای چینی است، بلکه رساله‌ای کیمیاگرانه است. بررسی عمیق‌تر رساله‌های لاتین این نکته را به من آموخته و نشان داده است که صیغه کیمیاگرانه متن از اهمیت اعلیٰ برخوردار است، هرچند در اینجا نمی‌خواهم به طور مفصل به این مطلب بپردازم. تنها می‌خواهم تأکید کنم که این خود متن راز گل زرین بود که مرا در مسیر صحیح قرار داد. زیرا در کیمیاگری قرون وسطی، حلقه اتصال بین عقاید گنوستیکی و روندهای ناخودآگاه مشترک را که در انسان معاصر قابل مشاهده است و از دیرباز جستجو می‌شده است، می‌بینیم.^۲

۱. Gnostic، اشاره به گروهی از مسیحیان اولیه که اعتقاد داشتند خداوند درون انسان است و پدر، پسر و روح القدس صرفاً جنبه‌هایی از آگاهی هستند. اینان به سبب بدعتی که در صدر مسیحیت گذاشتند به شدت مورد پیگرد و آزار قرار گرفتند.

۲. خواننده می‌تواند در دو مقاله‌ای که من در سال ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ در نشریه *Erano* →

می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و توجه خواننده را به چند سوء تفاهم جلب کنم که حتی خوانندگان مطلع و آگاه این کتاب نیز دچار آن شده‌اند. عده بسیاری فکر کرده‌اند که هدف من از چاپ این کتاب ارائه دستورالعمل عام خوشبختی بوده است. این خوانندگان با سوء تعبیر گفتار من سعی کرده‌اند «شیوه» توصیف شده در متن چینی را تقلید کنند. بیایید امیدوار باشیم که تعداد این عده از نمایندگان عمق معنوی اندک باشد!

یک سوء تفاهم دیگر سبب شد تا عده‌ای فکر کنند که در این تفسیر تاحدی بر آن بوده‌ام تا شیوه درمانی خود را ارائه کنم، و گفته شد که این شیوه عبارت بوده است از القاء آراء شرق در بیمارانم جهت کسب اهداف درمانی خاص خود. فکر نمی‌کنم هیچ نکته‌ای در گفتار من باشد که چنین توهمی ایجاد کند. به هر حال عقیده فوق به کلی خطاست، و بر این دیدگاه رایج استوار است که روانشناسی برای کسب هدفی خاص اختراع شد، و لذا یک علم عملی نیست. این عقیده خرافی و نیز جاهلانه که ایده ناخودآگاه جمعی، ایده‌ای «ماوراءالطبیعی» است، به همین مقوله تعلق دارد. برعکس، این یک مفهوم تجربی و عملی است که باید در کنار مفهوم غریزه قرار داده شود و این نکته‌ای است که هر خواننده دقیقی متوجه آن خواهد شد.

من متن سخنرانی خود در گرامیداشت خاطره ریچارد ویلهلم را که در مراسم یادبود او در ده مه ۱۹۳۰ در شهر مونیخ ایراد شد به چاپ دوم این کتاب اضافه کرده‌ام. این سخنرانی قبلاً در چاپ اول انگلیسی در سال ۱۹۳۱ منتشر شده است.^۱

کارل گوستاو یونگ

← Jahrbuch منتشر کردم مطالب بیشتری پیرامون این موضوع بیابد.

[این مطالب هم‌اکنون در «روانشناسی و کیمیاگری» به قلم کارل گوستاو یونگ یافت می‌شود.]

۱- واز گل ژوین، لندن و نیویورک، ۱۹۳۱.

مقدمه بر چاپ پنجم نسخه آلمانی

در این نسخه از کتاب، ترجمه بخش مقدماتی یک متن مراقبه‌ای دیگر افزوده شده است که از همان ستنی برمی‌خیزد که راز گل زرین متعلق به آن است، و در نسخه چینی این کتاب نیز آورده شده است. ریچارد ویلهلم در سال ۱۹۲۶ مقدمه کوتاه ذیل را بر این متن مراقبه نوشت:

هوئی مینگ چینگ یا کتاب آگاهی و زندگی در سال ۱۷۹۴ توسط لیو هوآ یانگ^۱ نوشته شد. مؤلف در استان کیانگ‌سی^۲ به دنیا آمده و بعداً راهب صومعه نیلوفر دوتائی^۳ (شوآنگ - لین - سسو^۴) در استان آن‌هوئی^۵ شد. این ترجمه از روی نسخه جدید هزارتائی که با راز گل زرین چاپ شد صورت گرفته است. نسخه فوق در سال ۱۹۲۱ توسط مردی با نام مستعار هوئی - چن - تسو^۵ (به معنی آن که از حقیقت آگاه گشته است) منتشر شد. این متن، تعلیم بودائی و تائوئیستی برای انجام مراقبه را با یکدیگر ترکیب می‌کند. دیدگاه اصلی این است که هنگام تولد، دو حوزه روان یعنی ضمیر آگاه و ناخودآگاه، از یکدیگر جدا می‌شوند. آگاهی عنصری است نشانگر آنچه در شخص جدا شده، یعنی فردیت یافته است، و ناخودآگاه عنصری است که او را با عالم کیهان متحد می‌کند. وحدت این دو عنصر از طریق مراقبه، اصلی است که این اثر بر آن استوار است. ناخودآگاه باید توسط

1- Liu Hua-Yang

2- Kiangsi

3- Shuang-Lien-ssu

4- Anhui

5- Hui-Chen-Tzu

آگاهی‌ای که در میان آن غوطه‌ور است بارور شود. به این ترتیب، ناخودآگاه فعال شده و سپس همراه با آگاهی غنی شده، به شکل تولد دوباره معنوی وارد یک سطح ذهنی فراشخصی می‌شود. پس از آن، این تولد دوباره به تفکیک درونیِ قدریجی حالت آگاه به ساختارهای فکری مستقل می‌انجامد. اما، پایانِ مراقبه به ناگزیر محو تمام تفاوت‌ها در حیات یکپارچه نهائی راکه عاری از تضاد است در پی دارد.

ترجمه آلمانی [این متن مراقبه] ابتدا در سال ۱۹۲۶ در جلد سوم Chinesische Blätter für Wissenschaft und Kunst, Darmstadt صفحات ۱۱۴-۱۰۴ منتشر شد و مترجم آن دکتر آل سی لو^۱ بود. لو در آن زمان همکار ریچارد ویلهلم و دبیر «مؤسسه چین» در فرانکفورت و مین^۲ بود. ترجمه بنا به پیشنهاد ریچارد ویلهلم صورت گرفت و توسط او بازبینی شد، به طوری که در شکل کنونی خود بسیار به سبک ترجمه راز گل زرین نزدیک است. از آنجا که Chinesische Blätter تنها به تعداد محدودی چاپ شده است، ظاهراً استفاده از این فرصت برای قرار دادن این متن در اختیار دایره وسیع‌تری از خوانندگان مغتنم به نظر می‌رسد.

سالومه ویلهلم